

میاندار

خاطرات شفاهی حسن عبداللہ زادہ

فرماندہ تیپ یگان مخصوص نیروی قدس و فرماندہ عملیات قرارگاہ شرق سوریه

مسعود امیرخانی



● عنوان: میانداری خاطرات شفاهی حسن عبدالله زاده، فرمانده تیپ یگان مخصوص نیروی قدس و فرمانده عملیات قرارگاه شرق سوریه
نویسنده: مسعود امیرخانی | مصاحبه: علی رستمی | ویرایش: زهرا حیدری | گرافیک: کارگاه طراحی خط مقدم | نیت چاپ: چهارم؛ ۱۴۰۳ | شمارگان: ۱۰۰۰ | نسخه | ناشر: خط مقدم

khatemoqadam.com
@khatemoqadam_ir

قم: خیابان معلم، مجتمع باشران، فروشگاه شماره ۲۷ ب
+۹۱۲۹۳۸۳۳۸۷
+۲۵۳۷۸۳۷۶۵۶



سرشناسه: عبدالله زاده، حسن. ۱۳۶۵-۱۴۰۰. مصاحبه شونده

عنوان و نام پدیدآور: خاطرات شفاهی حسن عبدالله زاده، فرمانده تیپ یگان مخصوص نیروی قدس و فرمانده عملیات قرارگاه شرق سوریه
نویسنده: مسعود امیرخانی.

مشخصات نشر: خط مقدم، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص. ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۱-۵۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: عبدالله زاده، حسن. ۱۳۶۵-۱۴۰۰.

موضوع: شهیدان مسلمان -- سوریه

Muslim martyrs -- Syria

شهیدان مسلمان -- سوریه -- بازماندگان -- خاطرات

Muslim martyrs -- Syria -- *Survival -- Diaries

شناسه افزوده: رستمی، علی، ۱۳۴۳- . مصاحبهگر

شناسه افزوده: امیرخانی، مسعود، ۱۳۵۸- . گردآورنده

رده بندی کنگره: BP ۵۲/۶۶

رده بندی دیویی: ۳۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۷۸۳۰۹

www.ketab.ir

۲۷۰۱



کتاب پیش روی شما، حاصل دیدار اتفاقی مصاحبه‌گر دقیق و پژوهشگر ارجمند، جناب علی رستمی است:

- در غربت دلگیر شهر مخروبه‌ی دیرالزور در شرق سوریه، در حال گفت‌وگو با یکی از فرماندهان ایرانی مدافع حرم اهل بیت علیهم‌السلام بودم که جوانی باریش بلند و جلال و جبروت و ورزشکاری، همانند فردی خسته از کار، کمی آن سوتر در مقابل ما دراز کشیده بود. هیبت و عظمتش مانع از آن شد که عذرش را از حضور در صحنه‌ی مصاحبه بخواهد؛ فلذا مجبور به تحمل حضورش شدم. او هر از گاهی لابه‌لای مصاحبه‌ی ما وارد می‌شد و علاوه بر تصحیح اطلاعات تاریخی، مصاحبه‌شونده را در یادآوری نکات مهم کمک می‌کرد. با اذان ظهر، مصاحبه را رها کردیم و به نماز ایستادیم. بعد از نماز، مصافحه‌ی من و او به معانقه کشیده شد؛ طوری که گمان بردم سال‌ها با او بوده‌ام. پس از پرس‌وجو فهمیدم او یکی از رزمندگان و فرماندهان جسور و بی‌باک آن محور است و سوژه‌ای مناسب برای شنیدن و ثبت خاطراتش. اول محرم آن سال، حدود سی نفر از مجاهدین و مدافعان حرم اهل بیت علیهم‌السلام از کشورهای ایران، لبنان، عراق، پاکستان، افغانستان و... در حاشیه‌ی شهر دیرالزور گرد هم آمده و هیئت عزاداری تشکیل دادیم. حمزه، علم‌دار این جمع، با نوای حزین و نوحه‌ی غم‌بارش این جمع کوچک را تا پاسی از شب می‌گریاند، اشک می‌ریخت و اشک می‌گرفت، و دوستی‌مان در این مجلس فراموش‌نشدنی شکل گرفت و به قول سعدی سخن: «هر دم که در حضور عزیزی برآوری/ دریاب کز حیات

حاصل، کتاب پیش روی شماست. تمام تلاش نویسنده در این اثر، وفاداری به لحن و بیان، یا به تعبیری، زبان نشان دار راوی بوده است؛ که به بیان خودش به زبان داش مشتی تهرانی حرف می زند، و گاه در لایه لای حرف ها، بسته به این که در موقعیت طنز، جدی، قهر، خشم، ترس و... قرار گیرد، از واژگان خودمانی و نام آواهایی استفاده می کند. کوشش در جهت گویا سازی متن و تکمیل روایت راوی و افزودن ملحقات و پاورقی ها و ابهام زدایی از خاطرات راوی را وظیفه ی دیگر خود می دانستم. بخشی از این گویا سازی ها از راه گفت وگو با خانواده و هم رزمان و فرماندهان، و بخشی دیگر، با رجوع به منابع مکتوب اعم از کتاب و رسانه و سایت های اطلاع رسانی انجام شد؛ که در انتهای مطلب به مصاحبه شونده یا اصل منبع اشاره شده است. در گویا سازی برخی مطالب که منبع یا مرجع مشخصی ندارد، از گفت وگو با هم رزمانی استفاده کرده ام که ذکر نام شان، بنا بر ملاحظات نظامی، امکان پذیر نبود.

حُسن خلق، شوخ طبعی و طعاری، شیطنت یا به قول خودش شرارت، جسارت و شجاعت، اخلاص و عشق به امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام)، بارزترین ویژگی های اخلاقی و رفتاری شهید حسن عبدالله زاده است؛ که در سرتاسر سطور این کتاب هویدا است؛ خاصه دو ویژگی آخر که نه فقط در روایت خودش، که به مصداق «خوش تر آن باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران»، در حدیث دیگران نیز آمده است:

«عاشورای یک سال قرار شد هیتی راه بیندازیم و به شهرک امیرالمؤمنین ارتش برویم. جمعیت واقعاً کثیری در این دسته شرکت داشت. وقتی برگشتیم مسجد، بعد از نماز ظهر و عصر عاشورا، ده دقیقه ای صحبت کردم و روضه ی کوتاهی خواندم. حسن عبدالله با این که نوجوانی بیش نبود، بعد از کلی کمک در راه اندازی دسته، چنان حق حق بلندی برای روضه ی ظهر عاشورا سر داده

۱. شهید عبدالله زاده، شیطنت های مدرسه و ادبیت هایش را بی منظور و از سر غفلت می داند و در مصاحبه، از معلمان و هم کلاسی هایش و در وصیت نامه، از همه ی دوستان و آشنایان خلالت می طلبد.

بود که هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. می‌خواهم بگویم این بچه چنین عشقی به اباعبدالله علیه السلام داشت. این‌ها از ابتدا و از ریشه معامله کرده بودند؛ البته نمی‌توان از نقش تربیتی آن پدر باشخصیت، مخلص، سربه‌زیر و متدین و مادر مؤمن شهید نیز به سادگی گذشت.» (حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا نوری فرد)

«حسن، کار اشتباه هم داشت، شاید بعضی‌ها را هم ناراحت کرده باشد؛ ولی مهم‌ترین ویژگی او اخلاصش بود و به آن چیزی که بلد بود، عمل می‌کرد. خدا اعمالش را به خاطر اخلاصش خرید.» (محمد حسین مولایی)

«مهم‌ترین ویژگی حسن، خلوص نیتش بود؛ و با شهادت، مزد اخلاصش را گرفت.» (سید علی بخارایی زاده)

«حسن در هفت هشت سال اخیر، جزء بزرگ‌های هیئت بود. برخی هم سن و سال‌های ملازدها را می‌کردند، از شهرک رفتند و درگیر کار و زندگی شدند و دیگر کمتر به هیئت می‌آمدند، ولی ما کماکان بودیم. حسن هر وقت تهران بود، از خانواده و تفریحش می‌زد و نفر اول به هیئت می‌آمد. خود را ملزم می‌دانست در هیئتی که خادمش بود، نفر اول حاضر باشد. صدای ضجه‌ها و گریه‌هایش در هیئت، همیشه دلگرمی ما بود.» (مجتبی اسیری سرخه‌ای)

«وقتی سوریه بود، زنگ می‌زد و تأکید می‌کرد که بچه‌ها را حتماً ببرم هیئت.» (همسر)

«کسی در عشق حسن به امام حسین علیه السلام شک نداشت.» (برادرزن)

این عشق به اهل بیت و امام حسین علیه السلام و علی اکبر علیه السلام چنان از نوجوانی وجودش را می‌آکند که عبارت «حسین سلطان عشق» را همراه دایره‌ای به دور آن، در امضایش به کار می‌برد.

حسن عبدالله زاده، خاطراتش را با صداقت و صراحت بیان می‌کند. ابایی از بیان اشتباه‌ها، ترس‌ها، ناکامی‌ها و شکست‌های خود و انتقاد از آدم‌ها از هر

رده و صنفی ندارد؛ و البته که شجاعت هایش را نیز صادقانه بازگو می‌کند. در روایتِ خاطرات رزم تأکید دارد: «من این خاطرات را از دید خودم تعریف می‌کنم. وقتی می‌گویم من، یقیناً من همه‌ی این کارها را نکرده‌ام و کسان دیگری هم همراه من بوده‌اند. این شائبه پیش نیاید که همه‌ی کارها را من انجام داده‌ام. ما یک تیم خوب بودیم که با هم این کارها را می‌کردیم.»

او در بیان خاطراتش نقاب به چهره نمی‌زند و خودسانسوری ندارد. صداقت نابی در کلامش پیداست و همین، کلامش را دل‌نشین کرده است. در یک کلام، او خودِ خودش است.

م. ا.

تهران، آریس، ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

www.ketab.ir